

نویسنده : پپه اسکوبار «*pep Escobar*»
منبع و تاریخ نشر : افارمیشن کلیرنگ هوز «2020-08-27»
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

-----[92]-----

اتحاد قطعی اوراسیا از آنچه تصور می کنید نزدیکتر است

Definitive Eurasian alliance is closer than you think

Beijing-Moscow is already on; Berlin-Beijing is a work in progress; the missing but not distant link is Berlin-Moscow
پکن- مسکو در حال حاضر است. برلین - پکن اثری در حال پیشرفت است. پیوند
مفقود اما نه دور ، برلین و مسکو است



- ما دیدیم که چگونه **چین** با کمال دقت تمام حرکت‌های مهم ژئوپلتیک و ژئواکونومیک خود را تا سال «2030» و بعد از آن برنامه ریزی می کند.
آنچه می خواهید در ادامه بخوانید ، ناشی از یک سری بحث های خصوصی و چند جانبه در بین تحلیل گران اینتل است و ممکن است به طرز مفید خطوط تصویر بزرگ را طراحی کند.
در **چین** ، مسیری که پیش رو است افزایش تقاضای داخلی و تغییر سیاست های پولی به سمت ایجاد اعتبار برای تحکیم ساخت صنایع داخلی کلاس جهانی است.

به موازات این، یک بحث جدی در مسکو وجود دارد که روسیه باید در همان مسیر پیش رود. همانطور که یک تحلیلگر می گوید، "روسیه نباید چیزی به جز فن آوری های مورد نیاز خود وارد کند تا زمانی که بتواند آنها را ایجاد کند و فقط نفت و گازی را که برای پرداخت واردات مورد نیاز است صادر کند که باید به شدت محدود شود. **چین** هنوز به منابع طبیعی احتیاج دارد، و این باعث می شود **روسیه** و **چین** متحدین بی نظیر شوند. یک ملت باید تا حد ممکن خود کفا باشد."

این اتفاق می افتد تا آینه دقیق استراتژی ح.ک.چ باشد، همانطور که رئیس جمهور **شی (xi)** در جلسه کمیته مرکزی «31» ژوئیه آن را بیان کرد.

و این درست در برابر یک جناح نئولیبرال سنگین در حزب کمونیست چین - همکاری گرایان قرار دارد؟ - چه کسی آرزوی تبدیل حزب به سوسیال دموکراسی به سبک غربی را دارد، در بالای آن تا به معنای سرمایه غربی است.

مقایسه سرعت اقتصادی **چین** در حال حاضر با آمریکا مانند مقایسه مازراتی «Gran Turismo Sport» (با موتور V8 فراری) با تویوتا کمری (Toyota Camry) است. به ترتیب، **چین** مخزنی بزرگتر از نسل جوان بسیار تحصیل کرده را در خود جای داده است. مهاجرت سریع روستا نشینان به شهر؛ ریشه کن کردن فقر؛ پس انداز بیشتر؛ حس فرهنگی رضایت ممنوع. بیشتر - کنفوسیونیست - نظم اجتماعی؛ و بی نهایت احترام بیشتری برای ذهن آموزش دیده منطقی. روند فروش تجارت **چین** به طور فزاینده ای با خودش بیش از اندازه کافی خواهد بود تا حرکت لازم برای توسعه پایدار را ادامه دهد.

عامل فرا صوت :

در همین حال، در جبهه ژئوپلیتیک، اجماع در مسکو - از کرملین تا وزارت امور خارجه - این است که دولت ترامپ "قادر به توافق" نیست، یک حسن دیپلماتیک است که به یک دسته از افراد دروغگو اشاره دارد. و همچنین "توانمندی قانونی" نیست یک سرخوشی اعمال می شود، به عنوان مثال، برای لابی کردن در مورد تحریم های عکس العمل سریع هنگامی که ترامپ از قبل که **برجام** = برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) را کنار گذاشته است، اعمال می شود.

رئیس جمهور **پوتین** در گذشته های اخیر گفته است که مذاکره با تیم **ترامپ** مانند بازی شطرنج با کبوتر است: پرنده متولد شده در سراسر تخته شطرنج قدم می زند، بی تفاوت می لرزد، بر روی تکه می کوبد، پیروزی را اعلام می کند، سپس فرار می کند. در مقابل، لابی های جدی در بالاترین سطح دولت روسیه برای تحکیم اتحاد قطعی اوراسیا، متحد کردن آلمان، روسیه و چین سرمایه گذاری می کنند.

اما این فقط در آلمان بعد از **مرکل** صدق می کند. به گفته یک تحلیلگر آمریکایی، "تنها چیزی که مانع آلمان در این اتحاد می شود این است که آنها می توانند انتظار آنرا داشته باشند که صادرات خودروی (موتورهای تیزدقتار) خود را به ایالات متحده و غیره از دست بدهند، اما من به آنها می گویم که به دلیل نرخ ارز دلار و یورو، با یورو به نسبت گران شدن قیمت آن، می تواند بلافاصله اتفاق بیفتد."

در جبهه هسته ای، و فراتر رفتن از صحنه فعلی بلاروس - همانطور که در مینسک هیچ میدان دیگری وجود نخواهد داشت - مسکو کاملاً روشن کرده است، بدون هیچگونه ابهام، هرگونه حمله موشکی از «**نا تو**» به عنوان حمله هسته ای تعبیر خواهد شد. سیستم موشکی دفاعی روسیه - از جمله (S-500) های قبلاً آزمایش شده و به زودی (S-600) های قبلاً طراحی شده - مسلماً می تواند (99) فیصد موثر باشد. این بدان معناست که روسیه هنوز مجبور به مجازات شدن است. و به همین دلیل روسیه برای محافظت از حداقل «40» میلیون نفر شبکه گسترده ای از پناهگاه های بمب هسته ای در شهرهای بزرگ ساخته است.

تحلیلگران روسی رویکرد دفاعی چین را در همین راستا تفسیر می کنند. پکن می خواهد اگر قبلاً این کار را نکرده است - یک سپر دفاعی ایجاد کند و همچنان توانایی حمله به حمله آمریکا با موشک های هسته ای را داشته باشد.

بهترین تحلیلگران روسی، مانند آندری ماریا نوف، می دانند که سه سلاح برتر جنگ احتمالی بعدی، **موشک ها** و **زیردریایی های تهاجمی** و دفاعی همراه با قابلیت های جنگ **سایبری** خواهد بود.

سلاح اصلی امروز - که **چینی ها** آن را به وضوح درک می کنند - زیردریایی های هسته ای است. روس ها در حال مشاهده چگونگی ساخت ناوگان زیردریایی خود در چین هستند - حمل موشک های مافوق صوت - سریعتر از ایالات متحده. ناوگان سطحی منسوخ شده اند. یک بسته گرگ از زیردریایی های **چینی** می تواند به راحتی یک گروه ویژه حامل **راناک اوت** کند. آن «11» نیروی عملیاتی **نا و آمریکایی** در حقیقت بی ارزش هستند.

بنا بر این، در یک رویداد - وحشتناک - غیرقابل دسترس بودن دریاها در جنگ، با مسدود کردن ایالات متحده، روسیه و چین از همه ترافیک تجاری، این دلیل اصلی استراتژیک است که چین را وادار می کند تا از روسیه منابع طبیعی خود را از طریق روسیه بدست آورد.

حتی اگر خطوط لوله بمباران شده باشند، در هیچ زمان نمی توانند ثابت شوند. بنابراین اهمیت بسیاری برای چین قدرت **سیبری** - و نیز آرزوهای سرسخت آور پروژه های گازپروم.

عامل هرمنز :

یک راز کاملاً محافظت شده در مسکو این است که درست پس از اعمال تحریم های آلمان در رابطه با اوکراین، یک اپراتور بزرگ انرژی جهانی به روسیه پیشنهاد کرد که روزانه حداقل (7) میلیون بشکه نفت به علاوه گاز طبیعی به چین هدایت کند. هر اتفاقی که بیفتد، این طرح خیره کننده هنوز روی میز شمال گنادیه، مشاور عالی نفت و گاز رئیس جمهور پوتین نشسته است.

در صورت بروز چنین اتفاقی، تمام منابع طبیعی مورد نیاز روسیه از چین برای چین تضمین می شود. بر اساس این فرضیه، منطق روسیه این است که تحریم های آلمان را با تغییر دادن صادرات نفت خود به چین، که از دیدگاه روسیه در فن آوری مصرف کننده پیشرفته تر از آلمان است، دور بزند.

البته همه اینها با نتیجه گیری قریب الوقوع (Nord Stream 2) تغییر کرد - علی رغم اینکه تیم ترامپ هیچ زندانی را برای تحریم همه افراد در معرض دید ندید.

بخشهای انتل عقب دروازه های بسته (Backdoor Intel) برای صنعتگران آلمانی کاملاً روشن بود که اگر آلمان هرگز منبع روسی و نفت و گاز طبیعی خود را از دست بدهد، همراه با تنگه هرمنز که در صورت حمله آمریکا توسط ایران تعطیل می شود، اقتصاد آلمان ممکن است به سادگی سقوط کند.

بحث های جدی بین دو کشور درباره احتمال وجود یک سورپرایز اکتبر تحت حمایت ایالات متحده از پرچم کاذب برای مقصد دانستن ایران وجود داشته است. "حداکثر فشار" تیم ترامپ بر ایران هیچ ارتباطی با برجام ندارد. آنچه مهم است این است که حتی به طور غیرمستقیم، مشارکت راهبردی روسیه و چین کاملاً روشن ساخته است که تهران به عنوان یک دارایی استراتژیک - و به عنوان گره اصلی ادغام اوراسیا - محافظت خواهد شد.

ملاحظات متقابل اینتل بر اساس سناریویی فرض می شود - کاملاً بعید است - سقوط دولت در تهران. اولین کاری که واشنگتن در این مورد انجام می دهد کشیدن سوئیچ سیستم پاکسازی «SWIFT» است. هدف این است که اقتصاد روسیه را خرد کنیم. به همین دلیل روسیه و چین به طور فعال ادغام «Mir Russian» روسی و سیستم های پرداخت «CHIPS» چینی و همچنین دور زدن دلار آمریکا در تجارت دوجانبه را افزایش می دهند.

قبلاً در پکن شرط بندی شده بود که اگر چنین سناریویی اتفاق بیفتد، چین ممکن است دو متحد اصلی خود را در یک حرکت از دست بدهد، و سپس مجبور شود به تنهایی با واشنگتن روبرو شود، هنوز در مرحله ای است که قادر به اطمینان خود نیست منابع

طبیعی. این یک تهدید واقعی وجودی خواهد بود. و این توجیه منطقی بودن ارتباط روزافزون مشا رکت استراتژیک روسیه و چین به علاوه توافقنا مه چین و ایران (25) میلیارد سالانه « 400 » میلیارد دلاری است.

برگشت بیسما رک :

یکی دیگر از معاملات محرمانه احتمالی دیگری که قبلاً در بالاترین سطح اطلاعاتی مورد بحث قرار گرفته است ، احتمال ایجاد معاهده **بیمه اتکایی بیسما رکی** بین آلمان و روسیه است. پیمانجاتنا ب نا پذیر یک اتحاد عملاً **برلین- مسکو- پکن** در امتداد طرح کمربند وجاده (BRI)، در کنار ایجاد یک دیجیتالی جدید است؟ - واحد پول **اوراسیا** برای کل اتحاد **اوراسیا** ، از جمله بازیگران مهم و در عین حال حاشیه ای مانند فرانسه و ایتالیا. خوب ، پکن- مسکو در حال حاضر روشن است برلین- پکن کاری در حال انجام است. حلقه مفقود شده **برلین- مسکو** است.

این نه تنها نما یا نگر کابوس نهایی نخبگان انگلیسی- آمریکایی غرق در **مکیندر** (جغرافیه دان انگلیسی) ، بلکه در واقع عبور قطعی مشعل ژئوپلیتیکی از امپراتوری های دریایی به قلب اوراسیا است. دیگر یک داستان نیست. رو میزه.

با اضافه کردن آن ، بیا بید کمی وقت سفر کنیم و به سال « 1348 » برگردیم. مغولان گروه ترکان طلایی در کریمه هستند و **کافه** (ولایت واقع در کنار جنوب غرب ایتو پیا مرکز شهر **جیما** **تفصیل توسط این قلم**) را محاصره می کنند - یک بندر تجاری در دریای سیاه که توسط **ژنو** (شهر بندری در کناره شمال مدیترانه و شمال غربی ایتالیا در نزدیکی مرز فرانسه **تفصیل توسط این قلم**) کنترل می شود. ناگهان ارتش مغول دچار آفت بوبونیک (طاعون) می شود. آنها بر روی دیوارهای شهر کریمه اجساد آلوده را منجیق می کنند. بنا بر این تصور کنید چه اتفاقی افتاد که کشتی ها دوباره از **کافه** به **ژنو** شروع به حرکت کردند.

آنها طاعون را به ایتالیا منتقل کردند.

تا سال « 1360 » ، مرگ سیاه به معنای واقعی کلمه در همه جا - از **لیسبون** تا **نوگورود** ، از **سیسیل** تا **نروژ** بود. احتمالاً « 60 » فیصد از جمعیت اروپا کشته شده اند - بیش از 100 میلیون نفر.

می توان این مورد را مطرح کرد که رنسانس ، به دلیل طاعون ، تا یک قرن کل به تأخیر افتاد.

(کویید -19) البته از آفت قرون وسطایی به دور است. اما سؤال منصفانه است

چه رنسانس ممکن است به تأخیر بیا ندادد.

خوب ، ممکن است در واقع باعث پیشرفت رنسانس اوراسیا شود. این اتفاق می افتد دقیقاً همانطور که هژمون ، " پایان تاریخ " سابق ، در حال انفجار داخلی است ، " از حواس پرتی توسط حواس پرتی منحرف می شود " ، به نقل از (T.S. الیوت) در پشت مه (دمه و غبار) ، در مرا تع (چراگاه ها) بازی سایه اصلی ، اقدامات حیاتی برای سازماندهی مجدد توده زمینی اوراسیا در حال حاضر انجام شده است.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

په په اسکوبار در آسیا تایمز خبرنگار بزرگ است. آخرین کتاب او 2030 است. او را در فیس بوک دنبال کنید .-

----- **با تقدیم احترامات «2020-08-31»**

